



مرکز مدیریت حوزه های علمیه خراسان

مدرسه علمیه زهرا ی اطهر (سلام الله علیها)

شهرستان مشهد

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان:

شرح روایات مربوط به

دنیا از نگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)

استاد راهنما:

سرکار خانم طاهره آشفته یزدی

استاد داور:

سرکار خانم اعظم رحمت آبادی

پژوهشگر:

زهرا یوسف زاده بایگی

تاریخ دفاع

تابستان ۹۱

فهرست مطالب

۲	 مفهوم دنیا
۲	 تکامل روح در دنیا
۲	 تشبیهات دنیا
۳	 رغبت و تمایل قلب به دنیا موجب احتجاب از حق
۳	 حجاب ها و تعلقات دنیایی انسان
۴	 حبّ دنیا
۵	 سبب زیاد شدن حب دنیا چیست؟
۶	 نسبت میان عالم دنیا و آخرت
۶	 آتش و صراط دنیا و آخرت یکی است
۷	 آنچه از دنیاست فانی است و آنچه برای خداست باقی است
۷	 سعادت و شقاوت انسان بستگی به دنیا و آخرت او دارد
۷	 دنیا و آخرت مقابل یکدیگرند
۸	 دنیا معبر آخرت
۸	 علاج حب دنیا
۹	 علاج حب دنیا با علم و عمل
۹	 علاج حب دنیا با زهد
۹	 زهد و اعراض از دنیا، راه ورود به ضیافت الهی
۱۰	 علاج حب دنیا و نفس، در پیری سخت تر است
۱۱	 علاج حب دنیا با هجرت از نفس
۱۱	 اعراض از دنیا و آثار آن
۱۲	 نتایج تحقیق
۱۳	 منابع و مأخذ

مقدمه

دنیا و آخرت، ابتدا و انتهای زندگی انسان را مشخص می کنند. شناخت این دو مقوله و ارتباط آن دو با یکدیگر در جهت گیری و سعادت انسان، بسیار مهم و تأثیرگذار است. امام خمینی منادی توحید، عدالت و آزادی و معمار کبیر انقلاب اسلامی است. آیت الله بهاءالدینی قبل از ارتحال حضرت امام درباره ایشان می فرمودند: «اعتقاد من این است که مثل امام خمینی در زمان فعلی نداریم. وی فهم معصوم پیدا کرده و درک او فوق درک ها و شجاعت ایشان فوق شجاعت هاست. پای خود را جای پای معصوم گذاشته و به واسطه‌ی نبوغ و درک فوق العاده‌اش، از همه جلو زده است.»^۱

نیاز جامعه و جوانان ماست که سیری در اندیشه های ایشان داشته باشیم؛ چرا که ایشان معلم اخلاق، عرفان و فقیهی گران مایه بودند. پس ضرورت خواندن و به کار بستن افکار امام (رحمة الله علیه) به جای بردن نام امام در بزرگداشت ها، ما را بر آن داشت که مجموعه ای با محوریت «دنیا از نگاه این شخصیت بزرگ» تدوین کنیم.

^۱ - نشریه ضمیمه، شماره ۱، روزنامه صبح ایران (قدس) تاریخ: شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۱.

مفهوم دنیا

دنیا مؤنث ادنی است. اگر آن را از دنی و دناءت بگیریم به معنی پست تر و اگر از دنو به حساب آوریم، به معنی نزدیک تر است^۱

دنیا، از دو منظر قابل بررسی است، یکی از نگاه به ماهیت و حقیقت دنیا و یکی رابطه انسان با دنیا، رابطه این حقیقت با آن حقیقت.

منظر اول: دنیای ممدوح و پسندیده است. منظر دوم: دنیای ممدوح و مذموم است. از رابطه انسان با دنیاست که دو حال پدید می آید. یک حال ممدوح و حال دیگر مذموم است. اگر تعبیر «دنیای مذموم» به کار رفته است به رابطه انسان با دنیا، باز می گردد.^۲

مقصود، [وجود] یک عالم ماورای این عالم هست. آنها [انبیاء] ما ورا را دیدند. یک عالم غیبی که بر ما الآن مجهول است. آنها دیدند و آمدند که این اشخاص که اگر رهانشان کنند افسارگسیخته اند و هر کاری که می خواهند می کنند، آنها را، هم قوه غضبیه شان را، هم قوای شهوانی شان را و هم قوای شیطانی شان را که [آنها] همه ی [این قوا] را دارند، اینها را اول مهار کنند و بعد از مهار، یک راهی که باید بروند و این قوا مخالف با آن هستند آن راه را ببرند، راه می برند برای رسیدن به آن مقصد اعلا. این کار انبیاست.^۳

تکامل روح در دنیا

در دنیا روح انسان بیشتر از جسم او درگیر مسائل دنیوی می شود.^۴

شرف، عزت، عظمت و سعادت انسان مربوط به روح انسان است نه جسم او. تقویت در جانب روح به این است که توجهتان به خدای تبارک و تعالی زیاد باشد؛ اتکایتان به قدرت لا یزال حق تعالی باشد، و نظرتان نظر الهی باشد و تبعیت از احکام خدا بکنید.^۵

تشبیهات دنیا

۱- سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، دارالکتاب اسلامیة، تهران، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۳۶۲.

۲- دنیا و آخرت در رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه)، موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۷، ص ۱۶ و ۱۷.

۳- روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، تهران، مرکز نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۶۷، ج ۱۱، ص ۴۵۰ و ۴۵۱.

۴- ترجمه نهج البلاغه، محمد دشتی، چاپ هجدهم، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (علیه السلام)، ۱۳۸۳، ص ۴۸۲ و ۴۸۳، برگرفته از حکمت ۲۲۸.

۵- روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۵۰.

مَثَل ما در این دنیا، مثل درختی است که ریشه به زمین بند نموده؛ هر چه نورس

باشد، زودتر و سهل تر ریشه آن بیرون آید.^۱

و نیز مثل دنیا، یک سفره پهنی است که همه استفاده می‌کنند؛ یکی علفش را استفاده می‌کند، یکی میوه‌ی آن را استفاده می‌کند، یکی مسائل دیگر را استفاده می‌کند. از همین دنیا، هر یک، یک طور استفاده دارد، انسان یک طور استفاده دارد، حیوان یک طور، انسان در مقام حیوانیت، یک طور، [و] هر چه بالاتر برود از این سفره پهن الهی که عبارت از وجود است، [بیشتر] استفاده می‌کند.^۲

رغبت و تمایل قلب به دنیا موجب احتجاب از حق

رغبت قلبی و وابستگی و تمایل به تعلقات دنیایی، مانعی برای رسیدن به کمال انسان است.

امام خمینی (رحمة الله علیه) در این رابطه فرمودند:

بدان که رغبت به دنیا، موجب احتجاب از حق و بازماندن از سلوک الی الله است، و مقصود از دنیا [در اینجا]، هر چیزی است که انسان را از حق تعالی به خود مشغول کند. و چون این معنی در عالم ملک بیشتر تحقق دارد، این اسم احق است از برای آن.^۳

حجاب ها و تعلقات دنیایی انسان

در منطق امام (رحمة الله علیه)، توجه و تعلق به دنیا، از امراض روح و نفس انسان است: اهمیت امراض نفسانی هزاران درجه بیشتر از امراض جسمانی است،^۴ بنابراین انسان عاقل باید مقدار زندگانی خود را در دنیا و احتیاج خود را به سازوبرگ آن با مقدار زندگانی خود در آخرت و احتیاج به سازوبرگ آنجا مقایسه کند، آن گاه جدّیت خود را در تحصیل سازوبرگ این زندگانی و آن زندگانی، تجزیه و پخش کند.^۵

چرا که؛ کسی که تمام توجه او به عالم طبیعت است و، العیاذ بالله، منحرف عن الله می‌باشد، و اصولاً از ماوراء دنیا و عالم روحانیت بی خبر بوده و منکوس إلى الطبیعه است، و هیچ گاه در مقام [این] برنیامده که خود را تهذیب کند، حرکت و نیروی روحانی و معنوی

^۱ - روح الله موسوی خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۷، ص ۲۷۲.

^۲ - همو، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۸، ص ۱۷۰.

^۳ - همو، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۰۰.

^۴ - همان، ص ۲۰۷.

^۵ - عصر (۱۰۳) ۲۱ و ۲

در خویشتن ایجاد نماید، و پرده‌های سیاهی را که روی قلب او سایه افکنده کنار زند، در اسفل سافلین که آخرین حجب ظلمانیست، قرار دارد: **عُتُمَ رَدَدْنَاهُ اسْفَلَ سَافِلِينَ**^۱. او با آن قلب آلوده به گناهی که در پرده ظلمانی پوشیده شده و روح گرفته‌ای که بر اثر کثرت گناه و معصیت از حق تعالی دور گشته، آن هوا پرستیها و دنیا طلبی هایی که عقل و چشم حقیقت بین او را کور کرده است، نمی‌تواند از حجابهای ظلمانی برهد، چه رسد اینکه حجب نورانی را پاره کرده انقطاع إلى الله حاصل نماید.

حبّ دنیا

انسان دارای این حبّ از جمیع فضائل معنویّه برکنار است: شجاعت، عفت، سخاوت، عدالت که مبدأ تمام فضائل نفسانیّه است، با حبّ دنیا جمع نمی‌شود. غنای قلب و بزرگواری و عزّت نفس و حرّیت و آزاد مردی از لوازم بی‌اعتنایی به دنیا است؛ چنانچه فقر و ذلّت و طمع و حرص و چاپلوسی از لوازم حبّ دنیا است. عطوفت، رحمت، مواصلت، مودّت، محبّت، با حبّ دنیا متخالفند. بغض و کینه و جور و قطع رحم و نفاق و دیگر اخلاق فاسده از ولیده‌های این امّ الأمراض است.^۲

پر واضح است که تمام مفاصد روحانی و اخلاقی و اعمالی، از حب به دنیا و غفلت از حق تعالی و آخرت است. و حب به دنیا سر منشأ هر خطیئه است،^۳ چنانچه تمام اصلاحات نفسانی و اخلاقی و اعمالی از توجه به حق و دار کرامت آن و از بی علاقه‌گی به دنیا و عدم رکون و اعتماد به زخارف آن است.^۴

در منطق امام (رحمة الله علیه) اساس همه شقاوت‌ها و هلاکت‌ها، حب دنیا شمرده شده است. در بخشی از سخنان ایشان پس از معرفی عالم ملک، حب به این عالم را دو گونه دانستند: اولی حب به خدا که ممدوح است، و دومی حب به نفس که مذموم شمرده شده است، این طور آمده است:

آنچه مورد نکوهش و اساس شقاوت‌ها و بدبختی‌ها و هلاکت‌ها و رأس تمام خطاها و خطیئه‌ها است حبّ دنیا است که از حبّ نفس نشأت می‌گیرد. پس دنیای مذموم در خود تو است، علاقه‌ها و دلبستگی‌ها به غیر صاحب دل موجب سقوط است. همه مخالفت‌ها با خدا و

^۱ - سپس او را به پایین‌ترین مرحله بازگردانیدیم. تبیین (۹۵)/۵.

^۲ - روح الله موسوی خمینی، آداب الصلاة، (آداب نماز)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۰ ص ۴۹.

^۳ - اشاره است به حدیثی از علی بن الحسین (علیه السلام) که فرمود: حبّ الدنیا رأس کل خطیئة اصول کافی ج ۲، ص ۱۳۱، «کتاب ایمان و کفر»، «باب ذم دنیا و زهد در آن»، حدیث ۱۱.

^۴ - روح الله موسوی خمینی، شرح چهل حدیث، چاپ چهل و سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، زمستان ۱۳۸۶ ش، ص ۲۴۰.

ابتلا به معصیت‌ها و جنایت‌ها و خیانت‌ها از حبّ خود است، که حبّ دنیا و زخارف آن و حبّ مقام و جاه و مال و منال از آن نشأت می‌گیرد در عین حال که هیچ دلی به غیر صاحب دل به حسب فطرت بستگی ندارد. لکن این حجاب‌های ظلمانی و نورانی که ما را و همه را از صاحب دل غافل کرد و به گمان و اشتباه خود، غیر صاحب دل را دلداری می‌داند، ظلمات فوق ظلمات است.^۱

ایشان ادعیه را، راه نجات نفس از علایق دنیوی می‌دانند. و می‌فرمایند: ادعیه مهیا می‌کنند این نفوس را برای اینکه این علایقی که انسان دارد و بیچاره کرده انسان را این علایق، این گرفتاری‌هایی که انسان در این عالم طبیعت دارد و انسان را سرگشته کرده است، متحیر کرده است نجاتش بدهند و آن راهی که راه انسان است ببرند. راه‌های دیگر راه انسان نیست صراط مستقیم راه انسانیت است. و این مناجات‌ها و این ادعیه‌ای که ائمه ما- علیهم السلام- بعد از اینکه دستشان کوتاه شده بود از اینکه دعوت ظاهری خیلی واضح بکنند مردم را با این ادعیه به آن راهی که باید ببرند، راه می‌بردند.^۲

سبب زیاد شدن حب دنیا چیست؟

چون فطرتا انسان حب بقاء دارد و از فنا و زوال متنفر و گریزان است، و مردن را فنا گمان می‌کند، گر چه عقلش هم تصدیق کند که این عالم دار فنا و گذرگاه است و آن عالم باقی و سرمدی است، ولی عمده ورود در قلب است، بلکه مرتبه کمال آن اطمینان است، چنانچه حضرت ابراهیم خلیل الرحمن (علیه السلام)، از حق تعالی مرتبه اطمینان را طلب کرد و به او مرحمت گردید.^۳

پس چون قلوب، یا ایمان به آخرت ندارند، مثل قلوب ما گر چه تصدیق عقلی داریم، یا اطمینان ندارند، حب بقاء در این عالم را دارند و از مرگ و خروج از این نشئه گریزان‌اند. و اگر قلوب مطلع شوند که این عالم دنیا پست‌ترین عوالم است و دار فنا و زوال و تصرف و تغیر است و عالم هلاک و نقص است، و عوالم دیگر که بعد از موت است هر یک باقی و ابدی و دار کمال و ثبات و حیات و بهجت و سرور است، فطرتا حب آن عالم را پیدا می‌کنند و از این عالم گریزان گردند.

^۱ - روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۱۳ و ۲۱۴.

^۲ - همان، ج ۱۳، ص ۳۴.

^۳ - اشاره است به آیه مبارکه «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي». (و آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا، نشانم ده چگونه مردگان را زنده می‌کنی، گفت، مگر ایمان نیاوردی؟ گفت: آری ایمان دارم، اما برای اینکه دلم آرام گیرد.» (بقره - ۲۶۰).

بنابراین قلب انسان نباید توسط دنیا تسخیر شود، بلکه باید از هر گونه رذیله، تخلیه، و به صفات برتر اخلاقی آراسته گردد، تا زمینه دریافت فیض و انوار الهی فراهم شود. از مفاسد حب دنیا و تعلق به آن این است که انسان را از مردن خائف کند. و این خوف، که از محبت دنیا و علاقه قلبی به آن پیدا شود، بسیار مذموم است، و غیر از خوف از مرجع است که از صفات مؤمنین است. و همچنین از مفاسد بزرگ حب دنیا آن است که انسان را از ریاضات شرعی و عبادات و مناسک باز دارد، و جنبه طبیعت را قوت دهد و تعصی نماید طبیعت از اطاعت روح، و انقیاد آن را نکند و عزم انسانی را سست کند و اراده را ضعیف نماید.^۱

نسبت میان عالم دنیا و آخرت

شاید در اذهان بعضی این معنی خوابیده باشد که عالم آخرت همین عالم دنیاست، منتها تا یک موقع این دنیا مورد تکذیب و تکفیر خدا و ائمه است و بعد از آن مورد تحسین واقع می‌شود. این اعتقادی مخالف با تمام آیات قرآنی و تمام اخبار است و قرآن از اول تا آخر این دنیا را تکذیب می‌کند و نمی‌شود گفت موقعی این نشئه گل و گلزار خواهد بود، بلکه عالم دنیا و آخرت دو نشئه هستند.

آتش و صراط دنیا و آخرت یکی است

در کلام آن پیر فرزانه و آن یار سفر کرده آمده است:

عالم دنیا جهنم است و باید از این گذشت و گذشتن از دنیا راهش فقط صراط مستقیم است که باید از وسط این عالم از همان خط گذشت، بدون اینکه کثرات، آدم را فریب دهد. ما الآن در صراط هستیم، همان صراطی که یک طرفش دنیاست، یک طرفش عاقبت. و ما الآن در صراط داریم حرکت می‌کنیم. این پرده که برداشته شد، آن وقت صراط جهنم که از متن جهنم می‌گذرد.^۲

عالم آخرت نمونه این عالم طبیعت است. باید از داخل همین عالم طبیعت و دار دنیا و از داخل همین جاه‌طلبیها، ریاست‌طلبی‌ها، دنیا‌طلبی‌ها، کینه، حسد، بخل و آتش‌های خطرناک حرکت کرد و حرکت باید در خط مستقیم باشد که اگر آدم سیرش با آن خط مستقیم که صراط مستقیم قرآنی و اسلامی است منطبق نباشد، داخل آتش‌های دنیا می‌افتد؛ همین، نمونه صراط است که در جهنم می‌باشد.^۳

^۱ - روح الله موسوی خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۱۲۳ - ۱۲۵.

^۲ - همو، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۵۰۰.

^۳ - همو، تقریرات فلسفه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.

آنچه از دنیاست فانی است و آنچه برای خداست باقی است

در کلام امام (ره) آمده است:

همه عذاب های انسان برای همین است که نمی داند چی می خواهد. این چند روز دنیا رفتنی است، آنچه که به جا می ماند این است که ما چه کردیم و در محضر مقدس حق تعالی چکاره هستیم. این اگر اصلاح بشود، همه چیز اصلاح می شود.^۱

سعادت و شقاوت انسان بستگی به دنیا و آخرت او دارد

اگر شخصی صد سال با تمام راحتی و ادراک لذایذ و راحتیها و خوشبختی ها و سعادتها در این دنیا باشد، ولی همین دنیا و زندگی در آن، مبدأ برای تهیه ناملازمات آن نشئه غیر متناهی باشد، آیا ممکن است سعادت و راحتی و خوشبختی عاریه ای این صد ساله در جنب آن بقا در نشئه غیر محدود، قابل مقایسه باشد؟ خیلی مستبعد است کسی که گرفتار عذاب دائمی آن جهان شد، ببیند که در مدت بقای عمر خود یک نقطه نورانی داشته، و یا لذایذ دنیوی از حیث کیفیت با آن نعم و عذاب های آخرتی قابل قیاس است؟ ما آخرت را نمی بینیم و از آن خبر نداریم و به قلب ما نمی آید که در آخرت چه خبر است، انبیا دیده اند و لذا برای ما یقه پاره کرده اند و آنچه ممکن بوده گفته اند. و داستان آخرت را آن طوری که هست، اگر بیشتر از آنچه که گفته اند ممکن بود بگویند و یا ما قدرت فهم آن را داشتیم می گفتند.^۲

دنیا و آخرت مقابل یکدیگرند

جمع شرایع و ادیان گفته اند که آخرت، مقابل این عالم است و دنیا مقابل آخرت می باشد، پس باید به نشئه ای قائل شد که غیر این نشئه باشد، و مرتبه وجودی دیگری داشته باشد، نه اینکه یک چیز دیگری که در حقیقت غیر این باشد؛ بلکه همین جسم و همین موجود، در وجود مراتبی دارد که یک مرتبه اش ضعیف است و آن مرتبه طبیعت است، و یک مرتبه اش متوسط است و مرتبه دیگرش قوت دارد که در قیامت است و با تفاوت مراتب، غیریت حاصل نمی شود؛ چنان که آن هسته خرمایی که زیر خاک قرار گرفت و بعد از سی سال طول و عرضی به هم رساند و درخت بزرگی شد بیش از یک موجود نمی باشد. بلی اگر از این درجات غفلت کنیم این، آن نیست؛ اما اگر درجات ملاحظه شود این همان است، لطافت و کوچکی و بزرگی باعث غیریت نمی شود.^۳

^۱ - روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۷۶.

^۲ - همو، تقریرات فلسفه، ج ۳، ص ۴۵۵ - ۴۵۷.

^۳ - همان، ج ۳، ص ۲۴۸.

دنیا معبر آخرت

این دنیا دنیایی است که عبور از آن باید بکنیم ما؛ دنیایی نیست که در اینجا ما زیست کنیم. این راه است؛ این صراط است که اگر بتوانیم مستقیماً این صراط را طی کنیم، همان طوری که اولیای خدا طی کردند و از آن صراط به طور سلامت عبور بکنیم، سعادت‌مندیم. و اگر خدای نخواستہ در اینجا، در این راه، لغزش داشته باشیم در آنجا هم همین لغزش ظهور پیدا می‌کند، در آنجا^۱ هم موجب لغزش‌ها می‌شود، موجب گرفتاری‌ها می‌شود.^۲

انسانی که دنیا را تنها معبر و گذرگاهی برای رسیدن به آخرت و سعادت‌ها و پاداش‌های اخروی بداند، اتکالش بر خداوند است و در اعمال و رفتارش خوفی ندارد، خوف را کسی دارد که برای آن دنیا چیزی قائل نیست.

اینجا دار تکلیف و «مزرعه آخرت» و عالم کسب است، و عالم آخرت دار جزا و سزا و ثواب و عقاب است. این جا دار امتحان و امتیاز شقی از سعید و مطیع از عاصی است، و عالم ظهور فعلیات است نه دار بروز نتایج اعمال و ملکات.^۳

علاج حب دنیا

علاج قطعی اکثر مفاسد به علاج حب دنیا و حب نفس است؛ زیرا که با علاج آن، نفس دارای سکونت و طمأنینه شود، و قلب آرامش پیدا کند، و دارای قوه و ملکه‌ی اطمینان شود، و به امور دنیا سهل‌انگاری کند، و به هیچ مآکل و مشرب اهمیت ندهد، و اگر کسی با او در امری از امور دنیا مزاحمت کند، او با خونسردی تلقی کند و به سهل‌انگاری برگزار نماید، و چون محبوب او طعمه اهل دنیا نیست، دنبال آن به جوش و خروش برنخیزد. و قطع ریشه محبت دنیا [کند] گرچه امر مشکلی است - خصوصاً در اوّل امر و ابتداء سلوک - ولی هر امر مشکلی با اقدام و تصمیم عزم آسان شود. قوه اراده و عزم به هر امر صعب [و] مشکلی حکومت دارد، و هر راه طولانی سنگلاخی را نزدیک و سهل کند.^۴

^۱ - منظور از کلمه آنجا در این دو جمله، (جهان آخرت) است.

^۲ - روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳۵.

^۳ - همو، شرح چهل حدیث، ص ۲۴۵ و ۲۴۶.

^۴ - همو، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۵۴-۲۵۶.

علاج حب دنیا با علم و عمل

دل ما چون با حبّ دنیا آمیخته شده و مقصد و مقصودی جز تعمیر آن ندارد، ناچار این حبّ مانع از فراغت قلب و حضور آن در محضر قدس شود. و علاج این مرض مهلک و فساد خانمان سوز با علم و عمل نافع است.

اما **علم نافع** برای این مرض، تفکّر در ثمرات و نتایج آن و مقایسه کردن بین آنها و مضارّ و مهالک حاصله از آن است.

انسان باید بداند که دنیا طوری است که هر چه بیشتر آن را تعقیب کند و بیشتر در صدد تحصیل آن باشد، علاقه‌اش به آن بیشتر شود و تأسف از فقدان آن روز افزون گردد، گویی انسان طالب چیزی است که به دست او نیست.^۱

علاج حب دنیا با زهد

زهد به حسب لغت عبارت است از ترک شیء و اعراض از آن و بی‌میلی و بی‌رغبتی به آن، اما زهد اصطلاحی، اگر عبارت باشد از ترک دنیا برای رسیدن به آخرت، از اعمال جوارحی محسوب است، و اگر عبارت باشد از بی‌رغبتی و بی‌میلی به دنیا- که ملازم باشد با ترک آن-، از اعمال جوانحی محسوب شود.^۲

امام (رحمة الله علیه) در بیان و تشریح جنود عقل و جهل، زهد را که یکی از لشکریان عقل است و ضد آن را که رغبت به دنیا و یکی از لشکریان جهل است، توضیح داده و می‌فرمایند:

زهد حقیقی، از بزرگترین جنود عقل و رحمان است که انسان به واسطه‌ی آن پرواز به عالم قدس و طهارت کند، و رخت از عالم به کلی بربندد، و کمال انقطاع الی الله برای او حاصل شود. چنانچه رغبت به دنیا و زخارف آن و توجّه و محبّت به زینت‌های آن بزرگترین جنود ابلیس و جهل است، و از دقیق‌ترین دام‌های نفس است که به واسطه آن انسان به دام بلا مبتلا و از راه هدایت و رشد گمراه و از وصول به نتیجه انسانیت و برخورداری از ثمره‌ی شجره ولایت، محروم و محجوب شود.^۳

زهد و اعراض از دنیا، راه ورود به ضیافت الهی

با نگاهی به کتب سیره انبیاء به این نکته می‌رسیم که انبیاء الهی، دنیا را از جان خود بیرون راندند و از دلشان دور کردند و از چشمانشان پنهان کردند، و دنیا را به سان دشمن

^۱ - روح الله موسوی خمینی، آداب الصلاة (آداب نماز)، ص ۴۸-۵۱.

^۲ - محمد بن یعقوب فیروز آبادی، قاموس المحيط، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۷ هـ، ج ۱، ص ۳۰۹.

^۳ - همان، ص ۳۰۳.

می دانستند. کسی که چیزی را دشمن بدارد، از نگاه کردن به آن و از اینکه یاد و نام آن در حضورش برده شود نفرت دارد.

در سخنان امام (رحمة الله علیه) هم این چنین سیره ای مشاهده می شود. ایشان در مورد اعراض از دنیا می فرمایند:

آن چیزی که انسان را به ضیافتگاه خدا راه می دهد این است که غیر خدا را کنار بگذارد و این برای هر کس میسر نیست؛ برای افراد انگشت شماری که در رأس آنها رسول الله است میسر بوده. آن توجه قلبی به مبدأ نور و اعراض از ماورای او، او را لایق کرد [برای ورود] به ضیافه الله و لایق کرد برای اینکه، قرآن یک مرتبه به طور بسیط در قلب او وارد بشود. ليله مبارکه یکی از احتمالاتش بنیه خود رسول اکرم است که مشکات نور الله است و احتمالات دیگر هم هست. مهم ادراک این معناست که مراتب کمالات انسان برای ورود در ضیافت خدا زیاد شود، و باید از مقدمات شروع بشود. مقدمات هم توجه به غیر نداشتن و غیری را ندیدن و جز خدا ندیدن و توجه به هیچ چیز غیر از او را نداشتن است. در اینجا باید عرض کنم که از همه مردم این معنا مطلوب است، و اگر بخواهند در ضیافت خدا وارد بشوند به اندازه وسع خودشان باید از دنیا اعراض کنند و قلبشان را از دنیا برگردانند.^۱

علاج حب دنیا و نفس، در پیری سخت تر است

در انتهای این بحث، توصیه امام (رحمة الله علیه) به جوانان درباره علاج حب دنیا بیان می شود:

شما که نعمت جوانی را واجد هستید چیزی نمی گذرد که به پیری خواهید رسید، نگذارید جوانی از دست برود و کوشش کنید در خدمت به خالق و خلق و جلب رضای مولا- جلّت قدرته [باشید]. در جوانی تهذیب نفس بسیار اسهل است از ایام پیری و ضعف که قدرت از دست می رود و ریشه اخلاق فاسده که اصلش از حب دنیا و نفس است استحکام پیدا می کند و تصفیه و تهذیب بسیار مشکل می شود. مجهز کنید خودتان را برای تحمل ناملایمات و سختیها در راه خدای تعالی؛ ممکن است خدای نخواستہ روزهای سختی پیش آید که اگر هم اکنون خود را مهیا نکنید تحملش بسیار ناگوار و سخت باشد. کوشش کنید حب دنیا و شهرت و جاه را سرکوب کنید که این خطر در ایام پیری بزرگتر [این] مصایب است.^۲

۱ - روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۹۰ و ۴۹۱.

۲ - همان، ج ۲، ص ۱۰۱.

علاج حب دنیا با هجرت از نفس

می توان گفت، ایشان اعراض از دنیا را در گرو هجرت از نفس می دانند و در این باره می فرمایند:

هجرت یک معنای بزرگی است. و از همه هجرت‌ها [مهمتر] هجرت از خودبینی و راه افتادن از این انانیت نفس و هجرت از خود به خداست.

اگر چنانچه کسی از این بیت، از این بیت ظلمانی، از این بیتی که ما را باز می‌دارد از وصول به کمالات انسانی، کسی خارج بشود و رو بیاورد به خدا، هجرت کند به سوی خدای تبارک و تعالی و رسول خدا، که آن هم هجرت به خداست، برسد به «ادراکه الموت»، یعنی آن موت اختیاری که از برای اولیای خدا هست که از همه آمال خودشان دست برمی‌دارند و فانی می‌شوند در حق تعالی، یا اینکه در این مهاجرتی که [می‌کند] ادراک موت بشود همان موت معهود، این وقع أجره على الله - این دیگر هیچ - بنا بر آن احتمال اول، دیگر اجری جز اینکه خدا به او بدهد اجر دیگری را نمی‌خواهد. اصلاً برای او دیگر آمال و آرزویی نیست. فقط خدا را می‌خواهد.^۱

اعراض از دنیا و آثار آن

به طور خلاصه می توان گفت، بنا بر نظر امام (رحمة الله علیه) آثار اعراض از دنیا در این ۴ مورد خلاصه می شود:

۱ - مستغنی از دو عالم شود، و به طوری قلبش بی‌نیاز شود که ملک سلیمان در نظرش به پیشیزی نیاید.

۲ - خود صاحب خانه (خداوند) در آن خانه (دل انسان) تجلی می‌کند و اداره امور را خود صاحب خانه فرماید و انسان را به امر خود واگذار نفرماید و خود متصرف در جمیع امور عبد شود، بلکه خود او سمع و بصر و دست و پای او شود.

۳ - خوف از تمام موجودات از او مرتفع شود، و خوف حق تعالی جایگزین آن گردد و عظمت و حشمت حق سراسر قلب را فرا گیرد.

۴ - فراغت قلبی پیدا می کند که این فراغت قلب برای عبادت، کم کم انسان را ممکن است منتهی کند به اعلی مراتب حضور قلب برای عبادت.

^۱ - روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۵۹ و ۶۰.

نتایج تحقیق

نتایج مهم این مجموعه به این قرار است:

- ۱- دنیا دو وجهه دارد، **ممدوح** که همان طبیعت دنیا است و **مذموم** که در درون و نفس آدمی است و تعلقاتی است که انسان به اسباب دنیا پیدا می کند.
- ۲- دل بستگی و حب به دنیا انسان را منحط می کند و باعث خلل در عقاید، افکار و همچنین عبادات انسان می شود.
- ۳- عالم دنیا و آخرت دو عالم جدا از هم و در عین حال مرتبط با یکدیگرند. از نظر اینکه عالم دنیا، مزرعه آخرت است و دار فانی و مهلت است، مقابل عالم آخرت است و از نظر اینکه عالم آخرت نمونه عالم دنیاست و از همین دنیا باید بگذریم تا به جهان باقی برسیم، این دو عالم مرتبط با هم هستند.
- ۴- باید در فکر درمان این مفسده‌ی حب دنیا باشیم و کم کم این علاقه را از قلب خود بیرون کنیم؛ و راه آن زهد است؛ یعنی اعراض کردن از زخارف و حظوظ دنیویه.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم با ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، چاپ دفتر تبلیغات، چاپ ۱۸، بهار ۱۳۸۳.
۱. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۷ ق.
 ۲. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتاب اسلامی، تهران، ۱۳۵۴.
 ۳. موسسه فرهنگی قدر ولایت، دنیا و آخرت در رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه)، موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۷.
 ۴. موسوی خمینی روح الله، تقریرات فلسفه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
 ۵. -----، آداب الصلاة (آداب نماز)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۰.
 ۶. -----، شرح چهل حدیث، چاپ چهل و سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
 ۷. -----، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۸.
 ۸. -----، سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)، چاپ ششم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
 ۹. -----، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۷.
 ۱۰. -----، صحیفه امام، تهران، مرکز نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۶۷.
 ۱۱. نشریه ضمیمه، شماره ۱، روزنامه صبح ایران (قدس) تاریخ: شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۱.